



«تفهیم اتهام» یکی از اصول مسلم آیین دادرسی کیفری

پس از آنکه متهم احضار شد و دعوت مرجع قضایی را اجابت کرد یا اینکه از حضور استنکاف کرد و جلب شده و در هر حال نزد مقام قضایی حاضر شد، مقام قضایی مکلف است به او تفهیم اتهام کند بنابراین قسمت مهم و پرارزش تحقیقات مقدماتی «تفهیم اتهام» است. بدین معنا که حق مسلم متهم است که بداند مرتکب کدام عمل مجرمانه شده است.

پس از آنکه متهم احضار شد و دعوت مرجع قضایی را اجابت کرد یا اینکه از حضور استنکاف کرد و جلب شده و در هر حال نزد مقام قضایی حاضر شد، مقام قضایی مکلف است به او تفهیم اتهام کند بنابراین قسمت مهم و پرارزش تحقیقات مقدماتی «تفهیم اتهام» است. بدین معنا که حق مسلم متهم است که بداند مرتکب کدام عمل مجرمانه شده است.

به گزارش «تابناک» تفهیم اتهام عبارت است از اعلام رسمی عمل یا اعمال مجرمانه به متهم از سوی قاضی تحقیق به زبان و شیوه ای که با توجه به وضعیت حاضر هر متهم، برای او قابل درک باشد. تفهیم اتهام یکی از اصول مسلم آیین دادرسی کیفری است و علاوه بر بیان صریح آن در ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری سابق مصوب سال ۱۳۷۸ و مواد ۱۹۳ تا ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری جدید مصوب سال ۱۳۹۲ در قانون اساسی ایران هم به صراحت مورد پیش بینی و تأکید قرار گرفته است. اصل ۳۲ قانون اساسی مقرر می دارد «هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود.» بعد از تفهیم اتهام است که شخص مظنون یا مشتکی عنه، تبدیل به متهم می شود. همچنان که در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، واژه «متهم» از ماده ۶۱ به بعد که بحث تأیید اتهام را مطرح می کند، استفاده شده است.

بند یک ماده ۶۱ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی در خصوص تفهیم اتهام مقرر کرده است «بعد از گذشت مدت زمانی متعارف از تسلیم شخص به دیوان یا حضور داوطلبانه وی در دیوان، شعبه مقدماتی موظف است جلسه ای را به منظور تأیید اتهاماتی که دادستان رسیدگی به آن ها را تقاضا کرده است، تشکیل دهد.

جلسه مذکور با رعایت شرایط مقرر در بند ۲، با حضور دادستان و «متهم» و نیز وکیل وی تشکیل خواهد شد.»

ضرورت تفهیم اتهام

مقام قضایی امر تحقیق مقدماتی باید به جمع آوری دلایل له و علیه متهم بپردازد و زمینه اجرای عدالت بین اصحاب دعوا را فراهم کند بنابراین فرد احضار شده که از طرف شاکی، ادعایی علیه او ارایه شده است، با توجه به اصل برائت، باید فرصت کافی برای ارایه دفاعیات خود داشته باشد.

تفهیم اتهام از آن جهت ضروری است که از یکسو امکان رد اتهام یا اتهامات منتسب را برای متهم فراهم می سازد و تضمینات ناظر به حقوق دفاعی و جنبه عملی به خود گرفته و آغاز می شود و از سوی دیگر قاضی تحقیق را مجاز می کند که به اقدامات ضروری و از جمله اصدار قرار های تأمینی متوسل شود.

اهمیت تفهیم اتهام چنان است که اگر متهم در یک روز و چه در روز های متعدد مورد بازجویی قرار گیرد در هر مرحله باید به وی تفهیم اتهام شود.

به نظر می رسد طبق اصول و قواعد حاکم بر آیین دادرسی کیفری، یکی از بدیهی ترین حقوق متهم، علم و آگاهی وی از اتهام انتسابی است و رعایت این حق مستلزم تفهیم اتهام با تمام دلایل اقامه شده است و بدون رعایت این حق دفاعی متهم، می توان گفت که علاوه بر محرز بودن تقصیر مقام قضایی امر تحقیق، ادامه تحقیقات محکوم به ابطال و فاقد اثر قانونی است. به عنوان مثال، بعد از تفهیم اتهام و نبودن دلایل کافی علیه متهم، صدور قرار تأمین کیفری و جاهت قانونی ندارد.

شیوه تفهیم اتهام

به موجب ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری سابق سال ۱۳۷۸ و مواد ۱۹۳ و ۱۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری جدید مصوب سال ۱۳۹۲، مقام قضایی ابتدا هویت و مشخصات دقیق متهم و آدرس دقیق پستی او را سؤال و در صورت

مجلس قید می کند و به متهم تذکر می دهد که در صورت کنمان حقیقت و اعلام آدرس واهی، احضاریه به همان محل ارسال می شود بنابراین باید مواظب اظهارات خود باشد.

شایان ذکر است که استعلام آدرس دقیق متهم باعث می شود که اوراق احضاریه سریع تر ابلاغ شوند و این موضوع مانع از اطاله تحقیقات می شود سپس مقام قضایی باید اتهام و دلایل اقامه شده را به طور صریح به متهم، تفهیم کند و آنگاه تحقیقات را ادامه می دهد.

توضیح آنکه در تفهیم اتهام ذکر کلی مصادیق قانونی جرم انتسابی صحیح نیست بلکه مقام قضایی باید جرایم ادعایی را به تفکیک تشریح کند همچنین دلایل ارایه شده و سایر مستندات یا شهود معرفی شده یا محل تحقیقات محلی (در صورت تحقیق محلی) یا نوع وسایل کشف شده را به طور کامل به متهم معرفی کند تا متهم بتواند از خود دفاع کند. در تفهیم اتهام سؤالات باید صریح، کوتاه، مفید، روشن و مرتبط با موضوع باشد و سؤالات تلقینی (یعنی کسی را وادار به گفتن کلامی کردن) و اغفال، اکراه و اجبار متهم ممنوع است. چنانچه متهم از دادن پاسخ امتناع کند، امتناع او در صورت مجلس قید می شود البته قانون آیین دادرسی کیفری، به صراحت یا حتی ضمنی اعلام نکرده است که این سکوت متهم را باید به عنوان دلیلی علیه آن یا له آن تلقی کرد.

بر اساس بند ۳ ماده ۶۱ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، در مدت متعارفی قبل از جلسه، شخص باید یک نسخه از مدارکی را که شامل اتهاماتی است که دادستان (مقام قضایی امر تحقیق) بر اساس آن، رسیدگی به آن ها و محاکمه شخص را تقاضا کرده است، دریافت کند همچنین از ادله ای که مورد استناد دادستان در جلسه قرار خواهد گرفت، مطلع شود.

در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، دادستان قبل از جلسه تفهیم اتهام به تحقیقات خود ادامه داده و نیز می تواند اتهامات را اصلاح کرده یا مسترد کند؛ و در صورت هرگونه اصلاح یا استرداد باید متهم را نسبت به دلایل آگاه کند.

به گزارش سازمان قضایی نیروهای مسلح، در قوانین دادرسی کیفری ایران بحثی از اصلاح یا استرداد دلایل اتهامی وجود ندارد و شاید این به دلیل خصوصیت غیرترافعی تحقیقات مقدماتی است.

در سیستم قضایی کشور ما متهم در مرحله تفهیم اتهام فقط به سؤالات پاسخ می دهد و ظاهر امر نشان می دهد که متهم حق دخالت در تحقیقات مقدماتی را ندارد، اما این امر خالی از ایراد نیست، زیرا در این مرحله هم نحوه اطلاع متهم از محتوای پرونده در حاله ای از ابهام است و هم وی از حضور مؤثر وکیل بی بهره است که این مسایل مغایر با اصل تساوی سلاح ها و از جمله تضمینات مهم تحقیقات و محاکمه منصفانه است.

آیا تفهیم اتهام غیابی امکانپذیر است؟

در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، تفهیم اتهام دارای آن چنان اهمیتی است که حتی تحت شرایطی که در ماده ۶۱ آن ذکر شده، امکان تفهیم اتهام غیابی هم وجود دارد.

طبق بند ۲ ماده ۶۱ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، «در صورتی که متهم حق حضور خود را ساقط کرده باشد، یا فرار کرده و همه اقدامات در جهت حضورش در دیوان و اطلاع از اتهامات انتسابی بی نتیجه مانده باشد در آن صورت شعبه مقدماتی رأساً یا به تقاضای دادستان جلسه ای را در غیاب متهم جهت تفهیم اتهام تشکیل خواهد داد.

همچنین در صورتی که شعبه مقدماتی حضور وکیل را در راستای اجرای عدالت بداند، وکیل به نمایندگی از متهم در جلسه حاضر می شود.» پیش بینی تفهیم اتهام غیابی در دیوان که تحت شرایط ذکر شده است، شاید برای حفظ جایگاه دیوان مثمر ثمر باشد؛ مثلاً متهمی که بنا به دلایل سیاسی یا عدم اعتقاد به کار دیوان، حق حضور خود در هنگام تفهیم اتهام را ساقط کرده باشد، اما به نظر می رسد چنین راهکارهایی در حقوق ملی کشورها مفید فایده نیست. در سیستم قضایی کشور ما و در مجموعه قوانین دادرسی کیفری چنین شرطی مبنی بر «تفهیم اتهام غیابی» پیش بینی نشده و مسکوت مانده است چرا که اگر در دیوان چنین شرطی وجود دارد، رویه معمول آن است که وکیل به نمایندگی از شخص متهم حضور پیدا می کند.

در حالی که در سیستم قضایی کشور ایران تحقیقات مقدماتی غیر ترافعی است. به هر حال تفهیم اتهام در قوانین دادرسی کیفری ایران از آنچنان اهمیتی برخوردار است که نادیده گرفتن آن موجب تعقیب انتظامی و محکومیت از درجه ۴

به بالاست.